

The Impact of Political-Security Threats of the Axis of Resistance on the Vulnerability of the Zionist Regime

Asghar Eftekhari¹

Mohammad Mehdi Soleimani²

The increasing militarism of the Zionist regime and its security measures over the past few decades in order to counter the threat posed by the security complex formed under the name of the Axis of Resistance, has led to increased vulnerability and numerous gaps due to lack of attention to other aspects of security in this regime. This research is of practical importance due to the impact of the Axis of Resistance on the vulnerability of the Zionist regime. The present research seeks to answer the fundamental question of what effect do Axis of Resistance-based threats have on the vulnerabilities of the Zionist regime? This study shows that the military and political threats of the Axis of Resistance have led to the impact on critical infrastructure, increasing insecurity, creating socio-political gaps, damaging deterrence and intensifying the crisis of legitimacy as the most important vulnerabilities in the Zionist regime. The approach of researchers in this article is descriptive-analytical and documentary and field methods have been used to collect data. For data analysis, a model based on combination of the two theories of the Copenhagen school and the Deegan-Krause's theory of social gap has been used as the basis theory of the analysis.

Keywords: Vulnerability, Security, Threat, Zionist Regime, Axis of Resistance.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

1. Professor of Political Science, Imam Sadegh (as) University, Tehran, Iran

A.eftekhari@isu.ac.ir

2. Corresponding Author: PhD student in National Security Studies, Higher National Defense University, Tehran, Iran

Mohammadmahdi.soleimani@hotmail.com

تأثیر تهدیدات سیاسی - امنیتی محور مقاومت بر آسیب پذیری

رژیم صهیونیستی

اصغر افتخاری^۱

محمد مهدی سلیمانی^۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۶

نشریه علمی آفاق امنیت / سال چهاردهم / شماره پنجاه و سوم - زمستان ۱۴۰۰: ۸۹-۵۹

چکیده

افزایش نظامی گری رژیم صهیونیستی و اقدامات امنیتی آن در طی چند دهه اخیر به منظور مقابله با تهدید ناشی از مجموعه امنیتی شکل گرفته تحت عنوان محور مقاومت، منجر به افزایش آسیب پذیری و شکاف های متعدد به دلیل عدم توجه به سایر ابعاد امنیت در این رژیم گردیده است. این پژوهش به دلیل توجه به تأثیر محور مقاومت بر آسیب پذیری رژیم صهیونیستی، دارای اهمیت کاربردی می باشد. پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش اساسی است که تهدیدات محور مقاومت چه تأثیری بر آسیب پذیری های رژیم صهیونیستی دارد؟ نتایج و یافته های این پژوهش نشان می دهد که تهدیدات نظامی و سیاسی محور مقاومت منجر به تأثیر بر زیرساخت های حیاتی، افزایش ناامنی، ایجاد شکاف های سیاسی-اجتماعی، خدشه دار شدن بازدارندگی و تشدید بحران مشروعیت به عنوان مهم ترین آسیب پذیری ها در رژیم صهیونیستی گردیده است. روش پژوهش کیفی و از نوع توصیفی-تحلیلی است و روش گردآوری داده ها اسنادی و میدانی می باشد. برای تحلیل داده ها نیز الگوی مبتنی بر ترکیب دو نظریه مکتب کپنهاگ و شکاف اجتماعی دیگران کرایس به عنوان نظریه مبنای تحلیل مورد استفاده قرار گرفته است.

کلید واژه ها:

آسیب پذیری؛ امنیت؛ تهدید؛ رژیم صهیونیستی؛ محور مقاومت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. A.eftekhari@isu.ac.ir

۱. استاد علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران، ایران

۲. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مطالعات امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

Mohammadmahdi.soleimani@hotmail.com

مقدمه

رژیم صهیونیستی از ابتدای شکل‌گیری با محدودیت‌های جدی ناشی از عدم مشروعیت این رژیم از سوی گروه‌های مقاومت و همسایگان عرب و همچنین جمهوری اسلامی ایران مواجه بوده است. از طرفی، تاریخ یهود سرشار از احساس ناامنی و نداشتن یک سرزمین بومی است و آثار روانی و فرهنگی تاریخ یهودیان، هنوز هم بر ذهن و روان این قوم مسلط است. امروزه نیز ذهنیت در محاصره بودن از سوی اعراب و تهدید مجموعه امنیتی شکل‌گرفته تحت عنوان محور مقاومت، دغدغه‌های ناامنی و حس عدم اطمینان نسبت به آینده را در این رژیم بسیار گسترده کرده است و علیرغم تلاش‌های این رژیم و متحدان آن در شکل‌گیری روند عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی، همچنان موجودیت رژیم صهیونیستی مورد شناسایی واقعی قرار نگرفته و فاقد مشروعیت لازم می‌باشد. تحولات صورت گرفته در معادلات امنیتی منطقه غرب آسیا و شکل‌گیری محور مقاومت، در کنار بحران مشروعیت این رژیم منجر به بروز تهدیدات و چالش‌های امنیتی نوینی برای این رژیم گردید و صهیونیست‌ها را وادار به اتخاذ سیاست‌های بازدارندگی نظامی-امنیتی نمود که این امر منجر به افزایش میزان آسیب‌پذیری این رژیم گردید زیرا با افزایش تمرکز بر بعد نظامی امنیت، به سایر ابعاد امنیت توجه کمتری صورت گرفت. این عدم توازن به نفع نظامی‌گری در رژیم صهیونیستی منجر به امنیتی‌سازی بیشتر و در نتیجه آسیب‌پذیری بیشتر این رژیم گردید. بررسی چگونگی و میزان تأثیرگذاری محور مقاومت در آسیب‌پذیری‌های امنیتی رژیم صهیونیستی مسئله اصلی مقاله حاضر می‌باشد.

این پژوهش به‌دلیل توجه به تأثیر محور مقاومت بر آسیب‌پذیری رژیم صهیونیستی، دارای اهمیت کاربردی می‌باشد؛ زیرا شناسایی و تبیین تأثیرات یادشده می‌تواند در ارتقای هدفمند و هوشمند توانایی‌های محور مقاومت در راستای خنثی‌سازی اقدامات امنیتی رژیم صهیونیستی و تبدیل آسیب‌پذیری‌ها به تهدیدات امنیتی علیه این رژیم مؤثر باشد. عدم شناسایی دقیق تأثیر محور مقاومت بر آسیب‌پذیری‌های امنیتی رژیم صهیونیستی، باعث کاهش توان بازیگری و هدف‌گذاری نادرست محور مقاومت در راستای تضعیف رژیم در سطح داخلی و منطقه‌ای می‌گردد. ضرورت این پژوهش در صورت عدم توجه به مسائل و چالش‌های درونی رژیم صهیونیستی و فرصت رژیم در رفع آسیب‌ها و خروج از تنگنای امنیتی موجود جهت اقدامات امنیتی تهدیدکننده محور مقاومت دوچندان می‌شود.

ارتقای توان تأثیرگذاری محور مقاومت در مواجهه با رژیم صهیونیستی از طریق افزایش آسیب‌پذیری و تهدیدات امنیتی و نهایتاً تحقق آرمان فروپاشی درونی این رژیم، هدف اصلی مقاله حاضر می‌باشد. در همین راستا، شناسایی و تبیین آسیب‌پذیری‌های امنیتی



رژیم صهیونیستی و همچنین نقاط قوت محور مقاومت جهت افزایش آسیب‌پذیری رژیم از اهداف فرعی مقاله حاضر می‌باشد. «تهدیدات محور مقاومت چه تأثیری بر آسیب‌پذیری‌های رژیم صهیونیستی دارد؟» به‌عنوان سؤال اصلی پژوهش مطرح است. چستی تهدیدات محور مقاومت علیه رژیم صهیونیستی و همچنین آسیب‌پذیری‌های امنیتی رژیم پرسش‌های فرعی مقاله می‌باشند. فرضیه این مقاله این است که محور مقاومت از طریق اقدامات نرم و سخت خود، بر شکل‌گیری و تشدید آسیب‌های امنیتی، سیاسی و اجتماعی رژیم صهیونیستی مؤثر بوده و منجر به افزایش احساس ناامنی، تعارضات اجتماعی، عدم مشروعیت و امنیتی سازی بیش‌ازپیش این رژیم در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، گردید است.

پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت نظری و کاربردی موضوع محور مقاومت و همچنین آسیب‌پذیری امنیتی رژیم صهیونیستی، پژوهش‌های متعددی تاکنون صورت گرفته است که به شرح زیر می‌باشد:

قاسمی (۱۳۹۶) ژئوپلیتیک محور مقاومت را پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، گفتمان جدید در مقابل اهداف و برنامه‌های غرب، آمریکا و رژیم صهیونیستی با نقش محوری و رهبری ایران می‌داند. قاسمی (۱۴۰۰) همچنین معتقد است که در بعد باور به اسلام سیاسی، جغرافیای سیاسی، جغرافیای فرهنگی، فرهنگ و سیاست دفاعی و ژئواکونومی ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد و شیعیان در عراق نه تنها دارای ظرفیت فعال و پویا می‌باشند، با حمایت و توانمندسازی گروه شیعی موجب ارتقای جبهه مقاومت و توسعه گفتمان انقلابی خواهد شد؛ بنابراین، شیعیان به‌عنوان کلیدی‌ترین گروه و موتور محرکه مقاومت اسلامی محسوب می‌شوند. قادری (۱۳۹۹) دیپلماسی نهضتی را در راستای نظام ارزشی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران دانسته که به‌دنبال تشکیل محور مقاومت در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی از طریق بومی‌سازی مقاومت بوده و این مهم در یک نقشه راه پیشنهادی شش‌مرحله‌ای یعنی گفتمان‌سازی، شبکه‌سازی، جریان‌سازی، جنبش‌سازی، نظام‌سازی و در نهایت تمدن‌سازی مدیریت و اجرا خواهد گردید. آدمی و کشاورز مقدم (۱۳۹۴) معتقدند که محور مقاومت، چارچوب اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه را شکل می‌دهد، از این‌رو وابستگی متقابل امنیتی میان ایران و محور مقاومت، الگوی دوستی و دشمنی در منطقه نسبت به ایران و امنیت ایران را در ثبات امنیتی در محور مقاومت قرار داده است. هدایتی و بابایی (۱۳۹۹) در کتاب خود، ریشه

شکل‌گیری و جایگاه اندیشه‌های محور مقاومت را در دفع تجاوزات نظام سلطه و فتنه‌انگیزی‌های منطقه‌ای تروریسم و حامیان آن می‌داند. پرنده و گیوری (۱۳۹۵) در کتاب خود، به مقوله‌ای به نام «جمعیت کیفی» عنوان می‌کنند که یهودیان با قرار دادن امنیت در سرلوحه همه امور دنیا در یک محدوده جغرافیایی خاص، از نقاط مختلف دنیا دور هم جمع شده‌اند که حاضر هستند برای بقا دست به هر اقدامی بزنند و این رژیم با خلأ نخبگی روبرو گردد به دوران افول خود نزدیک خواهد شد. ساوه درودی و چشمه نور (۱۳۹۷) مهم‌ترین بحران‌های پیش روی رژیم صهیونیستی در ۲۵ سال آینده را آمار جمعیتی، ناامنی داخلی و شکاف‌های اجتماعی و تأثیر آن بر همبستگی ملی این رژیم می‌دانند. صالح النعمانی (۲۰۱۱) معتقد است در نتیجه تحولات جدید جهان عرب، رژیم صهیونیستی مجبور است دکترین امنیتی خود را تغییر داده که این امر منجر به افزایش هزینه‌های امنیتی رژیم می‌گردد. اقبال (۱۳۸۷) معتقد است بازدارندگی رژیم صهیونیستی در بعد از جنگ ۳۳ روزه و ۲۲ روزه به صورت بنیادین از بین رفته است و این مسئله پیامدهای متعددی را برای رژیم صهیونیستی به وجود آورده است. درخشه و صادقی (۱۳۹۱) آسیب‌های ساختاری متعددی برای رژیم صهیونیستی بر شمرده‌اند که شامل شکاف‌های قومی، نژادی و مذهبی، منازعه‌های هویتی میان دین‌داران و سکولارها، مسئله اقلیت عرب فلسطینی مسلمان در درون اراضی اشغالی ۱۹۴۸، رشد مهاجرت معکوس و برهم خوردن توازن جمعیتی می‌باشد.

هرچند پژوهش‌های صورت گرفته اطلاعات مناسبی در خصوص جایگاه ژئوپلیتیک محور مقاومت در منطقه و همچنین آسیب‌پذیری‌ها و بحران‌های پیش روی رژیم صهیونیستی ارائه می‌دهد، لکن فقدان بررسی تأثیر محور مقاومت در آسیب‌پذیری‌های امنیتی رژیم صهیونیستی و جایگاه تئوریک دو مجموعه از منظر هویتی احساس می‌گردد.

مبانی مفهومی و نظری

تحلیل و سنجش تأثیر محور مقاومت بر آسیب‌پذیری امنیتی رژیم صهیونیستی نیازمند تبیین حدود مفهومی و نظری است که به آن پرداخته خواهد شد:

۱- امنیت

امنیت از حیث لغوی برابر نهاد Security و «الامن» و «الامان» است و در زبان فارسی به «ایمن شدن»، «ایمن بودن» و «بی بی‌بی» تعریف شده است (معین، ۱۳۷۵: ۳۵۴). برخلاف معنای لغوی امنیت، در گستره معنای اصطلاحی آن اجماعی وجود ندارد و مشاهده می‌شود که تعاریف اصطلاحی متفاوت و حتی متعارضی از امنیت ارائه شده که



ادعای وجود اجماع را نزد نخبگان این حوزه تضعیف می‌کند (افتخاری، ۱۳۹۹: ۵۷). در حد پژوهش حاضر می‌توان دو تعریف اصطلاحی را از امنیت ارائه نمود: «امنیت در بعد عینی، فقدان تهدیدها نسبت به ارزش‌ها، منافع و اهداف و در جهت ذهنی، فقدان ترس از اینکه این بنیان‌های ملی (ارزش‌ها، منافع و اهداف) مورد هجوم (فیزیکی و غیرفیزیکی) واقع بشوند، موردسنجش قرار می‌دهد» (تاجیک، ۱۳۸۱: ۴۷). این تعریف بیشتر بر بعد سلبی امنیت متمرکز است. در تعریف دیگر «امنیت، رسیدن به سطحی از اطمینان خاطر برای تحصیل و صیانت از کلیه منافع ملی است» (افتخاری، ۱۳۷۹: ۲۸).

۲- تهدید

تهدید در لغت به معنای بیم دادن، ترسانیدن و عقوبت کردن است. در تجزیه و تحلیل عوامل تهدید، ضرورت دارد به انگیزه تهدید، زمینه تهدید، هدف تهدید، نوع تهدید، منطقه تهدید، ابزارهای تهدید، مکانیسم تهدید، زمان تهدید، احتمال وقوع تهدید، احتمال موفقیت تهدید، اراده تهدید، تحمل تهدید و مدیریت تهدید توجه گردد (مرادیان، ۱۳۹۹: ۲۹۷-۲۹۸). شاید بتوان تعریف پژوهشکده مطالعات راهبردی را به‌عنوان تعریفی نسبتاً جامع از تهدید در نظر گرفت. طبق تعریف، تهدید علیه امنیت ملی عبارت است از آن دسته نیرو یا فعالیت‌های خصمانه علیه ارزش‌ها، منافع و اهداف ملی و اقتدار و ثبات نظام، به‌طوری که از اعتلای ارزش‌ها جلوگیری به عمل آورده و حساسیت دستگاه ادراکی نظام را نسبت به شناسایی و درک توانایی‌ها، امکانات، اهداف، منافع. همکاری‌های مشترک کاهش دهد (پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱: ۱۲۴-۱۲۵).

۳- آسیب‌پذیری

آسیب‌پذیری، شرایط تعیین‌شده به‌وسیله عوامل یا فرآیندهای فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی است که تأثیرپذیری یک جامعه را نسبت به تأثیر مخاطرات افزایش می‌دهد (آی‌اس‌دی‌آر^۱، ۲۰۰۴: ۱۴). در تعریف دیگر، آسیب‌پذیری به معنای درجه زیان حاصل از یک پدیده بالقوه آسیب‌رسان (تهدید) می‌باشد (اکو^۲، ۱۹۹۹: ۱۶).

۴- الگوی تحلیل

با توجه به محوریت موضوع تهدید و آسیب در مکتب کپنهاگ، در این پژوهش محققان الگوی تحلیل خود را مبتنی بر اصول تحلیل این مکتب سازمان‌دهی کرده و ضمن تقسیم آسیب‌پذیری‌ها در دو سطح زیرساخت‌های عینی و فقدان انسجام (شکاف) سیاسی-اجتماعی، جهت تحلیل بخش دوم آسیب‌ها از نظریات شکاف اجتماعی در الگوی تحلیل استفاده نموده‌اند.

الف. مکتب کپنهاگ:

در مکتب کپنهاگ^۱ امنیت به موازات شرایط فقدان تهدید تعریف می‌شود. (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۱۲۰) از منظر بوزان امنیت ملی گزاره‌ای موسع است که شامل پنج بعد اجتماعی، نظامی، سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی می‌باشد (نصری، ۱۳۹۰: ۱۰۷). در مکتب کپنهاگ دو موضوع در ارتباط با تهدید و آسیب‌پذیری در بحث حاضر وجود دارد:

موضوع اول. رابطه تهدیدها و آسیب‌پذیری‌ها

سیاست امنیت ملی می‌تواند روی مسائل داخلی متمرکز بوده و در پی کاهش آسیب‌پذیری‌های دولت باشد، یا بر مسائل خارجی تمرکز داشته و از طریق منابع ذی‌ربط درصدد کاهش تهدید خارجی برآید. آسیب‌پذیری رابطه تنگاتنگی با دولت‌های ضعیف دارد که ناشی از عدم انسجام سیاسی و اجتماعی دارد (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۳۶-۱۳۷). به‌عنوان مثال رژیم صهیونیستی تنها تا زمانی که فشار بافت ملی غیرقابل تحمل نشده می‌تواند از قدرت نظامی خود استفاده کند (هندل^۲، ۱۹۸۱: ۷۷).

از منظر مکتب کپنهاگ تهدیدات دارای جنبه‌های مختلفی به شرح زیر است:

یک. تهدید نظامی: معمولاً اقدام نظامی می‌تواند همه اجزاء دولت را تهدید کند و در عمل نیز این‌گونه است. پایه‌های مادی دولت تحت فشار قرار می‌گیرد و امکان دارد خسارت و زیان به بار آید و حتی می‌تواند بشدت بر اکوسیستم (بوم‌شناسی) اثر بگذارد. همچنین تهدیدات نظامی ممکن است موجب اختلال یا نابودی نهادها شده و تفکر مربوط به دولت را سرکوب، تخریب یا محور نماید. لذا تهدیدات نظامی در برنامه‌های امنیت ملی، از بالاترین اولویت برخوردارند.

دو. تهدید سیاسی: تهدید سیاسی متوجه ثبات سازمانی دولت است. هدف از تهدید ممکن است از فشار بر حکومت در مورد سیاست خاصی گرفته تا واژگونی حکومت، جدایی‌طلبی و برهم زدن بافت سیاسی دولت برای تضعیف آن پیش از تهاجم نظامی،

1. Copenhagen School
2. Handel



متفاوت باشد. ایده دولت، به‌خصوص هویت ملی و ایدئولوژی سازمان دهنده و نهادهایی که نمود آن هستند، اهداف عادی تهدید سیاسی به شمار می‌روند. در اینجا مسئله رقابت و تضاد ایدئولوژی‌ها حائز اهمیت است.

سه. تهدید اجتماعی: تهدید اجتماعی را به‌راحتی نمی‌توان از تهدید سیاسی جدا کرد. تهدید اجتماعی به حمله به هویت ملی مربوط می‌شود که در زمره ملاحظات سیاسی قرار می‌گیرد.

چهار. تهدید اقتصادی: تهدید اقتصادی، سخت‌ترین و پیچیده‌ترین تهدید در چارچوب امنیت ملی است و الگوی برنامه‌ریزی اقتصادی یک موجودیت را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. پنج. تهدید زیست‌محیطی: مانند تحدى نظامی و اقتصادی به پایگاه مادی دولت لطمه می‌زند (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۴۱-۱۵۹).

موضوع دوم. نحوه عمل تهدیدات:

مسئله اینکه چه موقعی یک تهدید به موضوع امنیت ملی تبدیل می‌شود بستگی به نوع تهدید، چگونگی نگرش به آن و نیز میزان جدی بودن آن دارد. عوامل مؤثر در جدی بودن تهدید عبارت‌اند از مشخص بودن هویت آن، قریب‌الوقوع بودن یا نزدیکی آن از لحاظ فاصله، شدت احتمال وقوع آن، میزان عواقب احتمالی آن و اینکه آیا اوضاع و شرایط تاریخی باعث تقویت آن تهدید می‌شوند یا خیر (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۵۹).

ب. نظریه‌های شکاف اجتماعی

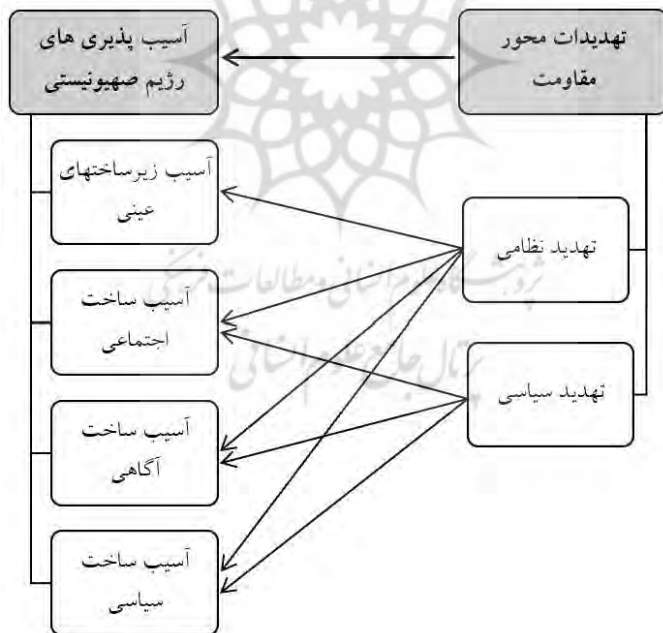
دیگان کرایس^۱ از جمله نظریه‌پردازانی است که به شکاف‌های اجتماعی نگاه حداکثری دارد. او معتقد است در تعیین شکاف‌های سیاسی باید سه بعد ساختاری، هنجاری و سازمانی یا رفتاری را موردتوجه قرار داد (کرایس، ۲۰۰۷: ۵۶). مطابق دیدگاه کرایس، شکاف‌های اجتماعی در جامعه‌ی رژیم صهیونیستی، در سه سطح زیر قابل‌شناسایی هستند:

یک. ساخت اجتماعی: به تفاوت‌های قومی، دینی، طبقاتی و زبانی معین اشاره می‌کند. در جامعه‌ی رژیم صهیونیستی که جامعه‌ای مهاجر است این تفاوت‌ها از سایر جوامع بیشتر نمود پیدا کرده و موجب گروه‌بندی‌هایی در ساخت جامعه شده است.

دو. ساخت آگاهی (نگرشی): به تفاوت نگرش‌ها، ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها، هویت‌ها و هنجارها مربوط می‌شود. در این سطح اعضای گروه‌ها خود را در ستیز با دیگران تعریف می‌کنند. همچنان که در جامعه‌ی رژیم صهیونیستی عرب‌ها در مقابل یهودیان، سفاردی‌ها

در مقابل اشکنازی‌ها و سکولارها در مقابل دین‌داران قرار می‌گیرند و هرکدام از آن‌ها بر ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های خود در جامعه رژیم صهیونیستی تأکید دارند. سه ساخت سیاسی: این سطح از دو سطح دیگر تأثیرپذیر بوده و احزاب سیاسی معرف آن به شمار می‌آیند. نظام سیاسی حزبی رژیم صهیونیستی با وجود تعداد زیادی از احزاب، متمایز از دیگر نظام‌هاست و این امر نشان‌دهنده‌ی شکاف‌های متعدد در جامعه رژیم صهیونیستی است. شکاف عرب-یهودی، شکاف سفاردی-اشکنازی و شکاف سکولارها-دینداران منجر به تأسیس احزاب متعدد و متنوع براساس هویت‌ها و منافع هر گروه شده و انسجام و هویت ملی رژیم صهیونیستی را از بین برده است (احمدوند و قره قشلاقی، ۱۳۸۹: ۸۱).

الگوی تحلیل مقاله حاضر را می‌توان از ترکیب دو نظریه کپنهاگ و شکاف اجتماعی، بر اساس شکل زیر ترسیم نمود. همچنین با توجه به‌عنوان پژوهش، در اینجا مسئله تهدید محور مقاومت و تأثیر آن بر آسیب‌پذیری رژیم صهیونیستی به‌صورت یک‌طرفه بررسی خواهد شد و الگوی تحلیل نیز یک‌سویه است یعنی به جنبه تهدیدات از سوی رژیم صهیونیستی پرداخته نخواهد شد.



نمودار ۱. الگوی تحلیل تأثیر تهدیدات محور مقاومت بر آسیب‌پذیری‌های رژیم صهیونیستی

(طراحی توسط نویسندگان)



به‌منظور ترسیم الگوی تحلیل، در بخش مربوط به تهدیدات محور مقاومت، از مبانی نظری مکتب کپنهاگ در تبیین رابطه تهدیدها و آسیب‌پذیری‌ها و تقسیم‌بندی تهدیدات استفاده شده است. در این پژوهش با فرض درجه تأثیرگذاری بیشتر و مزیت محور مقاومت در دو بعد نظامی و سیاسی نسبت به سایر ابعاد امنیت، صرفاً بر تأثیر تهدیدات نظامی و سیاسی آن بر آسیب‌پذیری‌های رژیم صهیونیستی تأکید گردیده و این دو تهدید از نظریه مکتب کپنهاگ استخراج گردیده و به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته می‌شود.

بوزان همچنین در نظریات خود، ضمن بازشناسی مفهوم دولت و معرفی اجزای آن، به برخی از عناصر مهم آسیب‌پذیری دولت‌ها اشاره می‌کند. وی سه جزء اصلی تشکیل‌دهنده دولت را شامل ایده، نهادها (دستگاه‌های حکومت از جمله سازمان‌ها، مراحل و هنجارهای اجرایی، قانون‌گذاری و اداری یا قضایی) و زیرساخت‌های عینی (مردم و جمعیت به لحاظ کمیت، سرزمین، منابع طبیعی و ثروت‌های ساخته دست انسان) معرفی و فقدان انسجام سیاسی-اجتماعی در بخش ایده‌ها و ضعف در نهادها و زیرساخت‌های عینی را عناصر اصلی آسیب‌پذیری دولت‌ها معرفی می‌کند (بوزان، ۱۳۹۰: ۹۱-۱۲۹). چنانچه بخواهیم این آسیب‌های ذکرشده توسط بوزان را به‌گونه‌ای دیگر دسته‌بندی کنیم، زیرساخت‌های عینی که صرفاً قابل تهدید از سوی تهدیدات نظامی یا سخت است را به‌عنوان یک آسیب مادی و فقدان انسجام سیاسی-اجتماعی را با عنوان شکاف معرفی می‌کنیم. با توجه به این دسته‌بندی، جهت ترسیم بخش دوم الگوی تحلیل، یعنی آسیب‌پذیری رژیم صهیونیستی، آسیب‌های مادی را با همان عنوان زیرساخت‌های عینی از نظریه مکتب کپنهاگ استخراج نموده و شکاف به‌عنوان آسیب تهدیدپذیر از سوی هر دو نوع تهدید نظامی و سیاسی، از نظریات شکاف اجتماعی به‌ویژه نظریه دیگان کرایس که شامل آسیب ساخت اجتماعی، آسیب ساخت آگاهی و آسیب ساخت سیاسی (ایده و نهاد دولت) می‌باشد، استخراج می‌گردد و این دو دسته آسیب‌پذیری به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شوند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی، با روش کیفی و از دسته توصیفی و تحلیلی می‌باشد. روش جمع‌آوری داده‌ها کتابخانه‌ای بوده و برای تحلیل آن‌ها از الگوی مبتنی بر ترکیب دو نظریه مکتب کپنهاگ و شکاف اجتماعی دیگان کرایس به‌عنوان نظریه مبنای تحلیل استفاده می‌باشد. به این‌گونه که تأثیرات محور مقاومت به‌عنوان متغیر مستقل بر وضعیت آسیب‌های رژیم صهیونیستی به‌عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار می‌گیرد.

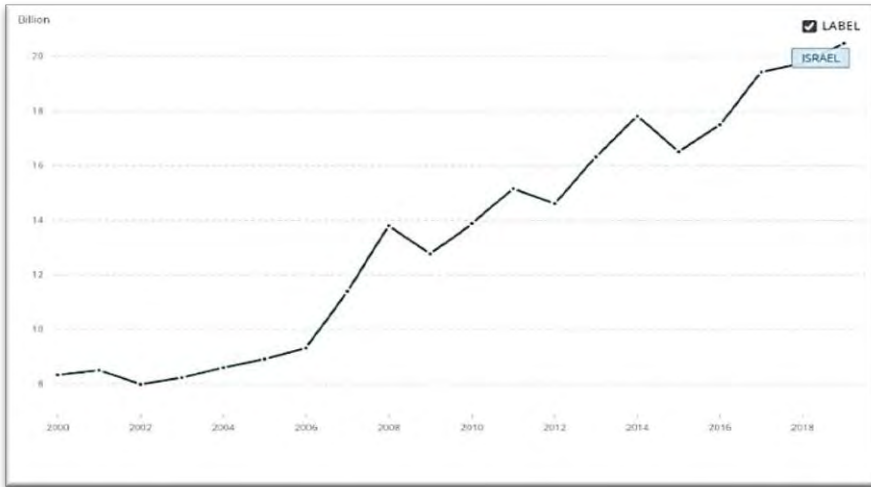
تهدید نظامی محور مقاومت علیه آسیب‌پذیری رژیم صهیونیستی

محور مقاومت در دو دهه‌ی اخیر به یکی از بازیگران مهم و قطب‌های منطقه غرب آسیا تبدیل شده که با پیشرفت‌های چشمگیر محور مقاومت و پیوستگی ژئوپلیتیک میان بازیگران آن، امروز شاهد تأثیرگذاری بیش‌ازپیش محور مقاومت بر کنش و واکنش‌های در حال وقوع در منطقه هستیم و توانایی‌های آن در ابعاد مختلف بر آسیب‌های امنیتی رژیم صهیونیستی تأثیرگذار بوده است که در ادامه تأثیر توان و تهدید نظامی بر آسیب‌های رژیم صهیونیستی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- تأثیر تهدید نظامی محور مقاومت بر زیرساخت‌های عینی رژیم صهیونیستی:

با توجه به اولویت اصلی مسئله امنیت نظامی برای رژیم صهیونیستی از ابتدای تأسیس تاکنون، دکترین بازدارندگی به‌عنوان مهم‌ترین دکترین امنیتی رژیم مورد توجه بوده است و در گذر زمان با توجه به شدت و ضعف تهدیدات در میان طیفی از بازدارندگی یعنی «بازدارندگی کم شدت» در مقابل تهدیدات ناشی از همسایگان عرب، «بازدارندگی متعارف» جهت غلبه بر تهدیدات ناشی از گسترش تسلیحات و تضمین بقای خود در بلندمدت و «بازدارندگی غیرمتعارف» یا بازدارندگی هسته‌ای و راهبردی متغیر بوده است. روند تغییر دکترین بازدارندگی رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که هرچه میزان تهدید بیشتر بوده، درجه‌ی نظامی‌گری و افزایش هزینه‌های نظامی رژیم افزایش داشته است و این مسئله منجر به کاهش توجه به سایر زیرساخت‌های اساسی گردیده است. در جنگ ۱۲ روزه، ناکارآمدی سامانه پدافندی گنبد آهنین (که در مقایسه با جنگ ۲۲ روزه ۱۲ تا ۱۳ برابر پیشرفته‌تر بود) در مقابل موشک‌های گروه‌های مقاومت فلسطینی شکست سختی به لحاظ نظامی برای رژیم بود. از طرف دیگر پیشدستانه بودن عملیات گروه‌های مقاومت فلسطینی (که در جنگ ۳۳ روزه از سوی حزب‌الله مسبوق به سابقه بود) منجر به زیر سؤال رفتن بازدارندگی رژیم صهیونیستی و کشیده شدن جنگ به مرزهای داخلی فلسطین اشغالی شود (پژوهشکده تحقیقات راهبردی، ۱۴۰۰). لذا طبق نمودار زیر، نخستین تأثیر تهدیدات نظامی محور مقاومت افزایش نظامی‌گری رژیم صهیونیستی و به‌تبع آن عدم توجه به سایر زیرساخت‌های می‌باشد.





نمودار ۲. میزان هزینه‌ی نظامی رژیم صهیونیستی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰

Source: <https://data.worldbank.org/indicator/MS.MIL.XPND.CD>

از طرف دیگر توان نیروی نظامی محور مقاومت منجر به در دسترس قرار گرفتن مراکز حساس و حیاتی رژیم صهیونیستی مانند ساختمان‌های مسکونی، مراکز دولتی، نیروگاه‌ها و مخازن سوخت، فرودگاه‌ها، بنادر و... گردیده است؛ که می‌توان به موارد زیر طی دو سال اخیر اشاره کرد:

- حمله به نیروگاه هسته‌ای دیمونا در منطقه نقب در مرزهای ۱۹۴۸ از خاک سوریه که این مسئله ناکارآمدی سامانه پدافندی گنبد آهنین را به نمایش گذاشت. این در حالی بود که تأسیسات هسته‌ای دیمونا جزو حفاظت‌شده‌ترین تأسیسات در کل رژیم صهیونیستی بود و حداقل سه لایه دفاع هوایی برای دفاع از آن ایجاد شده بود. بسیاری از منابع خبری و تحلیل رژیم صهیونیستی از جمله روزنامه‌ها آرتص از دیمونا به‌عنوان یک معضل برای ساختار امنیتی رژیم صهیونیستی یاد می‌کنند که امکان نشت مواد رادیواکتیو را دارد (Haaretz, 2021). در طی جنگ ۱۲ روزه طی ادعای صهیونیست‌ها ۱۵ موشک حماس به سمت دیمونا شلیک شد (Haaretz, 2021).
- انفجار در مرکز صنایع نظامی رژیم صهیونیستی در شهر اشغالی الرمله (رژیم صهیونیستی تایمز: ۲۰۲۱).

- انفجار در پالایشگاه نفت بندر حیفا (Jpost, 2021) و نشت گاز آمونیاک در این بندر.
 - آتش‌سوزی در فرودگاه بن گورین تل آویو (رژیم صهیونیستی تایمز: ۲۰۲۱).
 - جنگ ۱۲ روزه آسیب‌پذیری امنیتی و اقتصادی رژیم صهیونیستی را بیش‌ازپیش مشخص نمود و حدود ۲ میلیون نفر به پناهگاه رفتند و برق بسیاری از مناطق قطع و مدارس و فروشگاه‌ها تعطیل شد. حدود ۱۳۰ موشک به تل‌آویو شلیک شد که بزرگ‌ترین حمله نظامی به مرکز مهم‌ترین شهر رژیم صهیونیستی تاکنون بوده که منجر به کشته شدن یک نفر و تعطیلی فرودگاه بن گورین بود (آیریش تایمز: ۲۰۲۱).
 - حمله سایبری به تأسیسات آبی رژیم صهیونیستی در سال (رژیم صهیونیستی تایمز: ۲۰۲۱).
 - انفجار در شهرک صهیونیست نشین بنیامین در غرب رام الله که منجر به کشته شدن یک نفر و زخمی شدن ۲ تن دیگر گردید (خبرگزاری آناتولی، ۲۰۱۹).
- برخی از این حوادث ناشی حملات نظامی مقاومت و برخی نیز طبق برآورد برخی منابع خبری در رژیم صهیونیستی مثل انفجار در پالایشگاه حیفا به‌احتمال زیاد ناشی از حملات سایبری می‌باشد؛ اما آن چیزی که مسلم است آسیب‌پذیری زیرساخت‌های حیاتی رژیم صهیونیستی در مقابل تهدیدات نظامی محور مقاومت می‌باشد.
- مسئله جغرافیا و نداشتن عمق راهبردی یکی از آسیب‌پذیری‌های اصلی رژیم صهیونیستی است. به‌گونه‌ای که عرض سرزمین‌های تحت اشغال رژیم در باریک‌ترین نقطه حدود ۱۵ کیلومتر است که این دسترسی موشک‌های مقاومت را سهل‌تر می‌نماید. لذا رهبران و سیاست‌گذاران رژیم صهیونیستی از راهبردهای امنیتی و نظامی همچون انتقال جنگ به خاک دشمن برای ترمیم موقعیت خود بهره‌اند که افزایش توان نظامی محور مقاومت این فرصت را از صهیونیست‌ها سلب می‌کند. بخش قابل توجهی از امنیت اقتصادی و زیست‌محیطی رژیم صهیونیستی تحت تأثیر موقعیت جغرافیایی رژیم صهیونیستی می‌باشد. در این میان مسئله‌ی «آب» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ایشان، به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت و جامعه‌ی رژیم صهیونیستی مبدل گشته است که بقاء و موجودیت ایشان را به‌شدت تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. لذا بارندگی اندک و خشک و بی‌آب بودن جنوب این کشور باعث اهمیت زیاد مسئله‌ی آب و امنیتی شدن موضوع منابع آبی در منطقه گردیده است. دکتر زهرالدین در کتاب طرح رژیم صهیونیستی بزرگ با توجه به



عوامل جمعیتی نفت و آب، بر این اعتقاد است که وجود منابع آبی از جمله دلایلی است که منطقه‌ی جنوب لبنان برای رژیم صهیونیستی، حساس تلقی می‌شود. رژیم صهیونیستی آب را نه یک منبع اقتصادی، بلکه یک مسئله سیاسی، نظامی-امنیتی و جمعیتی می‌داند که با ادامه‌ی موجودیت آن ارتباط تنگاتنگ دارد (زهرالدین، ۱۳۸۰: ۲۸۴ و ۲۸۶).

مسئله مهم دیگر در بعد آسیب‌پذیری زیرساخت‌های عینی رژیم صهیونیستی، مسئله کمیت جمعیت و کاهش مهاجرت به فلسطین اشغالی می‌باشد. این موضوع از گذشته تاکنون به‌عنوان دغدغه محوری رهبران یهود بوده است. جامعه رژیم صهیونیستی از مهاجران یهودی شکل گرفته که عامل اصلی حفظ این جمعیت موضوع امنیت می‌باشد. سیاست مهاجرت در اندیشه دینی یهود جایگاه قابل توجه داشته و به همین دلیل، مهاجرت مسئله همیشگی یهود بوده است. از زمان حضور انگلیسی‌ها در فلسطین در سال ۱۹۱۷ تا سال ۱۹۷۵، آمار مهاجران به ۱,۵ میلیون نفر رسیده بود؛ اما از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۵ که موضوع صلح بین اعراب و رژیم صهیونیستی به سرانجام رسید، مهاجرت ۱,۵ میلیون نفر دیگر به این سرزمین انجام شد؛ اما بعد از انتفاضه در سال ۱۹۸۲، آمار مهاجرت رو به کاهش نهاد؛ به‌گونه‌ای که در ده سال بعد، یعنی در ۱۹۹۵، میزان مهاجرت به نصف دهه قبلی رسید (افتخاری، ۱۳۷۹: ۴۵). این آمار ثابت می‌کند که به هر میزان تهدید نظامی گسترده‌تر شده، میزان مهاجرت به رژیم صهیونیستی کاهش یافته و حتی می‌تواند منجر به روند مهاجرت معکوس گردد.



نمودار ۳. درصد مهاجرت به فلسطین اشغالی

Source: <https://data.worldbank.org/indicator/SM.POP.TOTL.ZS>

۲- تأثیر تهدید نظامی محور مقاومت بر ساخت اجتماعی رژیم صهیونیستی:

مذهب به عنوان عنصری معنایی، عامل هویتی برای هم‌بستگی اجتماعی است. رژیم صهیونیستی کشوری است که جمعیت خود را از یهودیان کشورهای مختلف جهان جمع‌آوری نموده است و در واقع رژیم صهیونیستی یک کشور بین‌المللی است که بر اساس مذهب و قومیت مشترک یهودی، تشکیل یک جامعه ملی را داده است و توانسته است به‌طور مصنوعی اقلیت یهود را به اکثریت تبدیل نماید (اسلامی، ۱۳۸۸: ۲۳۷).

در رژیم صهیونیستی، برخلاف دیگر دولت-ملت‌ها، پدیده‌ی ملت با پدیده‌ی شهروندی سازگاری ندارد؛ زیرا هر شهروند صهیونیست لزوماً بخشی از ملت رژیم صهیونیستی نیست. در واقع اکثریت ساکنان این کشور، یهودیانی هستند که به یک امت جهانی به نام امت یهود تعلق دارند و هویت ملی خویش را تحت تأثیر مذهب یهود تعریف می‌نمایند و از آن متأثر گردیده‌اند به‌طوری که آنچه از آن تحت عنوان «ما» در برابر دیگری در هویت ملی رژیم صهیونیستی یاد می‌شود بخش قابل‌ملاحظه‌ای از آن تحت تأثیر یهودیت و مذهب شکل گرفته است که بخش قابل‌ملاحظه‌ای از باورها و واقعیات آن تحت تأثیر اندیشه‌های صهیونیستی حاکم دچار تغییر و تحریف گردیده است. در نتیجه، هویت ملی شکل‌دهنده رژیم صهیونیستی تحت تأثیر بسیاری از این‌گونه باورهای مذهبی شکل گرفته است. برای مثال «قوم محوری» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر شکل‌دهنده به هویت ملی رژیم صهیونیستی ریشه در باور مذهبی یهودیان دارد و تا حد زیادی به اخلاق تلمودی یهودیان صهیونیست و باورهای اعتقادی ایشان اشاره دارد. تحت تأثیر چنین باوری که نشئت‌گرفته از اعتقادات مذهبی جعلی در میان یهودیان می‌باشد، اصطلاح «غیر یهودی» که همواره هویت و موجودیت یهودیان را مورد تهدید وجودی قرار می‌دهد تعریف گردیده است و به باور یهودیان ساکن اراضی اشغالی تبدیل گردیده است و تصویری امنیتی از همسایگان مسلمان غیر یهود را شکل داده است. این تصویرسازی بدون تردید موجبات حمایت افکار عمومی رژیم صهیونیستی و نیز یهودیان غیر ساکن در رژیم صهیونیستی و حامیان ایشان از سیاست خارجی تهاجمی این کشور جعلی بر علیه کشورهای همسایه و نیز در درون اراضی اشغالی بر ضد فلسطینیان مسلمان را محیا ساخته است. در پرتو چنین باوری، مذهب در قالب یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده به هویت ملی در رژیم صهیونیستی، به «پدیده امنیتی» تبدیل می‌گردد.

از طرف دیگر، همان‌طور که ذکر شد جامعه رژیم صهیونیستی دارای خاستگاه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی متفاوتی است که از نقاط مختلف جهان به سرزمین‌های



اشغالی مهاجرت کرده‌اند و از آنجایی که دولت-ملت سازی در رژیم صهیونیستی به صورت کامل رخ نداده، تعارضاتی در نتیجه افزایش تهدیدات نظامی محور مقاومت به شرح زیر رخ می‌دهد:

الف) تعارض میان دین‌داران و سکولارها: طبق نتایج پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص افکار عمومی رژیم صهیونیستی نسبت به خروج رژیم صهیونیستی از اراضی اشغالی غزه و کرانه‌ی غربی، نشان می‌دهد که ۷۰ درصد ساکنان سرزمین‌های اشغالی غیرمذهبی و بقیه مذهبی هستند (گیدبودن، ۱۳۷۸: ۷۵). در نتیجه این اکثریت با امنیتی سازی کشورهای همسایه که موجب افزایش تهدید از جانب آن‌ها می‌گردد مخالف خواهند بود و این منشأ اصلی شکاف در ساخت اجتماعی صهیونیست‌ها می‌باشد.

ب) افزایش شکاف طبقاتی میان نژادهای ساکن در سرزمین‌های اشغالی و امکان همراهی اعراب با گروه‌های مقاومت: در جامعه فعلی رژیم صهیونیستی یهودیان بر اعراب برترند؛ یهودیان غربی (اشکنازی‌ها) بر یهودیان شرقی (سفارديم‌ها) برترند و هر دو این‌ها بر اعراب ساکن رژیم برتری دارند و اعراب شهروند درجه سوم محسوب می‌شوند (سیلبرستین^۱، ۱۹۹۹: ۹۰). در جنگ ۱۲ روزه اتفاقی که رخ داد این بود که وضعیت نامساعد و شکاف طبقاتی موجود بستری را فراهم نمود تا برای نخستین بار اعراب ساکن در مناطق اشغالی با گروه‌های مقاومت غزه، همراه شوند و در واقع حملات موشکی گروه‌های مقاومت در راستای حمایت از آن‌ها بود.

۳- تأثیر تهدید نظامی محور مقاومت بر ساخت آگاهی رژیم صهیونیستی:

ایدئولوژی صهیونیسم در کنار مذهب، به‌عنوان یکی از عناصر مهم هنجاری و عاملی هویت‌ساز در رژیم صهیونیستی می‌باشد. بر این اساس قسمت‌هایی از تاریخ یهود که مقوم دیدگاه ایدئولوژی صهیونیسم می‌باشد، بزرگ‌نمایی و به اغراق تعمیدی در مورد گذشته هویت قوم یهود و قبولاندن آن به افراد جامعه اقدام گردیده است. صهیونیست‌ها همواره کوشیده‌اند با اتکا بر مستندات تاریخی، موجودیت خود را اثبات و رژیم صهیونیستی را تداوم یک دولت تاریخی معرفی کنند. مطابق تاریخ تعریف و تحریف‌شده از جانب صهیونیسم برای قوم یهود، امنیت این قوم همواره در طول تاریخ مورد تهدید قرار گرفته و موجودیت و بقای آن را تحت تأثیر قرار داده است. صهیونیسم با تسری این ویژگی تاریخی، به دنبال ایجاد برداشت و درک مشترک از تهدید در میان مخاطبان خود به‌عنوان ملت یهود، بر مبنای هویت تاریخی مشترک ایشان بوده و هست و در این راستا دردهای

مشترک قوم یهود را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل پیوند زنده‌ی هویت ایشان معرفی نموده است. بر این اساس دغدغه‌های امنیتی ریشه در تاریخ قوم یهود داشته است و همواره امنیت قوم یهود از جانب سایر بازیگران در معرض خطر و تهدید بوده و هست (داوتی^۱، ۱۹۹۹: ۲). این رویکرد تاریخی در کنار باورهای جعلی از قبیل «برگزیده بودن قوم یهود و سرزمین رژیم صهیونیستی از سوی خداوند» و «اصلاح جهان به دست یهود» در توجیه خشونت سیاسی رژیم نقش دارد. سابقه خشونت سیاسی در رژیم صهیونیستی به سال‌های ابتدای تأسیس این رژیم با شکل‌گیری گروه‌های افراطی و تروریستی مثل هاگانا، ایرگون (اتسیل) و لچی می‌باشد؛ اما به‌دلیل واکنش بین‌المللی در سطح دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و نخبگان تا حدودی این سازمان‌ها منزوی شدند؛ اما ریشه مذهبی خشونت سیاسی یعنی ایدئولوژی صهیونیسم تا امروز به قوت خود باقی است. نمونه آن قدرت چندین ساله حزب راست‌گرای لیکود است که در سال ۱۹۷۳ توسط مناخیم بگین رهبر گروه تروریستی ایرگون تأسیس شد و از سال ۲۰۰۵ رهبری آن با نتانیاهو است. نتانیاهو که یک‌بار در سال ۲۰۰۵ به‌دلیل خروج شهرک‌نشینان صهیونیست از غزه، ساخت دیوار حائل در کرانه باختری به‌عنوان مرزهای نهایی رژیم صهیونیستی با دولت مستقل فلسطین و جلوگیری از انزوای بین‌المللی از سمت خود به‌عنوان وزیر دارایی دولت آریل شارون استعفا داده بود و این مسئله منجر به بالا گرفتن اختلاف در لیکود و انشعاب از لیکود و تشکیل حزب کادیما توسط شارون، لیونی و اولمرت شد، وی توانست با تفکرات افراطی مبنی بر ادامه شهرک‌سازی در کرانه باختری، مخالفت با بازگشت به مرزهای ۱۹۶۷ و مشروط نمودن تشکیل دولت مستقل فلسطین به رسمیت دادن قدس به‌عنوان پایتخت ابدی رژیم صهیونیستی و دولت یهودی رژیم صهیونیستی از سوی فلسطینی‌ها و پس از مسئله گروگان‌گیری نظامی صهیونیستی توسط گردان‌های شهید عزالدین قسام (شاخه نظامی حماس) و وقوع جنگ بی‌نتیجه ۲۲ روزه در اوایل سال ۲۰۰۹، با هدف نابودی زیرساخت‌های موشکی حماس و راضی کردن این جنبش جهت پیوستن به روند مذاکرات، توانست آرا اکثریت صهیونیست‌های افراطی را جلب نموده (آرین و شمیر^۲: ۲۰۱۱) و از سال ۲۰۰۹ تاکنون در قدرت باقی بماند. تهدید نظامی محور مقاومت و تقویت توان آن، به‌عنوان توجیهی برای سیاست‌های خشن رژیم صهیونیستی در چارچوب باورهای ایدئولوژیک مورد تأکید صهیونیست‌ها بوده است. طبق ادعای بوزان، میزان سطح خشونت سیاسی، شاخص مهمی در تبیین و تعریف دولت‌های ضعیف می‌باشد (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۲۲)؛ لذا می‌توان



نتیجه گرفت که تهدید نظامی محور مقاومت، با تشدید نظامی‌گری و خشونت سیاسی رژیم صهیونیستی و توجیه آن با باورهای ایدئولوژیک همراه بوده و این مسئله منجر به تضعیف دولت صهیونیستی و معرفی آن به‌عنوان دولتی ضعیف در شاخص‌های سیاسی می‌گردد.

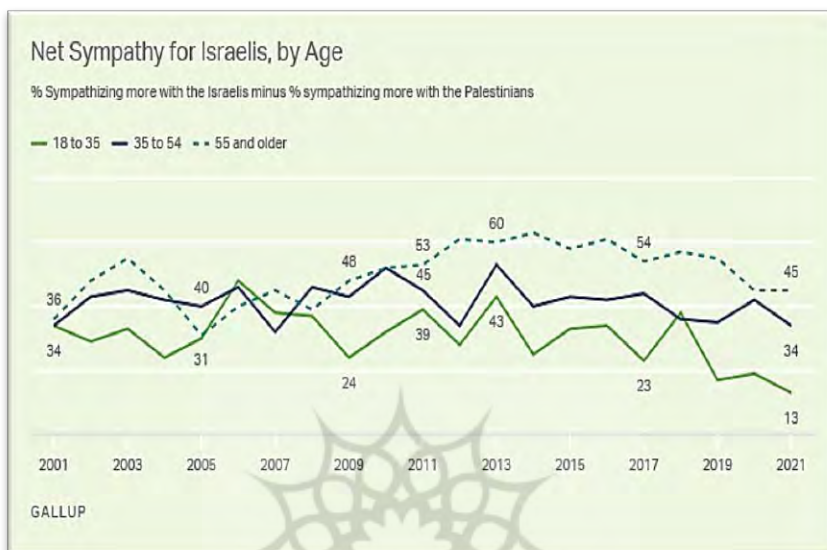
۴- تأثیر تهدید نظامی محور مقاومت بر ساخت سیاسی رژیم صهیونیستی:

ساخت سیاسی در رژیم صهیونیستی را باید در چارچوب سه سطح دولت، احزاب سیاسی و افراد موردبررسی قرار داد:

الف) دولت: دولت و حاکمیت رژیم صهیونیستی با ماهیتی تصنعی، همواره به‌عنوان مرجع امنیت در بخش سیاسی به‌حساب آمده‌اند که به‌نوعی دربرگیرنده‌ی ایدئولوژی و نیز هویت ملی رژیم صهیونیستی می‌باشند. امنیت سیاسی که بر ثبات سازمانی دولت‌ها، نظام‌های حکومتی و ایدئولوژی‌های مشروعیت بخش آن تمرکز دارد، در خصوص دولت جعلی رژیم صهیونیستی، شامل اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های صهیونیستی به‌عنوان تفکرات غالب بر حاکمیت رژیم و ایده اصلی تشکیل دولت در آن می‌باشد. از آغاز تشکیل دولت جعلی صهیونیست در ۱۴ می ۱۹۴۸ (روز نکبت) همواره موجودیت و مشروعیت رژیم از سوی سایر کشورها، به‌خصوص کشورهای اسلامی و عرب منطقه موردتردید بوده است. عدم شناسایی همواره بقاء و موجودیت رژیم صهیونیستی را تحت تأثیر قرار داده است و تهدید وجودی ناشی از آن رویکرد امنیتی و تهاجمی رژیم صهیونیستی را سبب گردیده و امنیت سیاسی آن را تحت تأثیر خود قرار داده است. جنگ‌های رژیم صهیونیستی با اعراب عمدتاً ناشی از این رویکرد تهاجمی بوده و هرچه تهدید نظامی با توجه به جایگاه نامشروع رژیم بیشتر باشد، رویکرد تهاجمی صهیونیست‌ها نیز بیشتر بوده و این مسئله امنیت سیاسی رژیم را خدشه‌دار می‌کند. پس از جنگ ۱۲ روزه غزه، بسیاری از نهادهای بین‌المللی از جمله کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، طی گزارشی درباره جنگ اخیر رژیم صهیونیستی با نوار غزه، تأکید کرد که هیچ مدرکی دال بر استفاده از تأسیسات غیرنظامی در غزه توسط گروه‌های مقاومت پیدا نکرده‌اند و این برخلاف ادعای صهیونیست‌ها جهت توجیه خشونت بکار گرفته علیه تأسیسات غیرنظامی و مناطق مسکونی در غزه بود (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۰). همچنین تنش‌های دیپلماتیک میان تل‌آویو با برخی از کشورهای اروپایی تا جایی بالا گرفت که سفیر فرانسه در فلسطین اشغالی احضار شد (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۰). همچنین این جنگ روند عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی را در چارچوب توافقات ابراهیم دچار خدشه نمود زیرا موجی از اعتراضات را علیه رژیم در سطح افکار عمومی جهان به راه انداخت و همچنین توان نظامی رژیم صهیونیستی زیر سؤال رفت. در نظرسنجی که موسسه گالوپ در خصوص



میزان همدردی مردم آمریکا با رژیم صهیونیستی انجام داده، نشان می‌دهد از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۱ میزان همدردی جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال آمریکایی در خصوص رژیم صهیونیستی به پایین‌ترین حد خود یعنی ۱۳ درصد رسیده و در خصوص سایر رده‌های سنی نیز میزان همدردی روندی کاهشی دارد.



نمودار ۴. میزان همدردی مردم آمریکا با رژیم صهیونیستی

Source: <https://news.gallup.com/poll/350393>

ب) **احزاب سیاسی:** بدون تردید احزاب مهم‌ترین و تأثیرگذارترین گروه‌های داخلی رژیم صهیونیستی هستند که حیات سیاسی و اجتماعی رژیم صهیونیستی و رویکرد سیاسی آن را متأثر می‌سازند و همواره دیدگاه‌های حزب یا ائتلاف احزاب حاکم بر کابینه رژیم صهیونیستی نقشی اساسی در فرآیند «تصمیم‌گیری» و «سیاست‌گذاری» کابینه داشته است (توسلی رکن‌آبادی و رضایی، ۱۳۸۹: ۱۴۳). قدرت‌گیری هر یک از احزاب در درون رژیم صهیونیستی پیوندی ناگسستنی با وضعیت امنیتی حاکم بر این کشور جعلی دارد و سایر امور را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. بر این اساس هنگامی که دغدغه‌های امنیتی ذهنیت غالب جامعه رژیم صهیونیستی را مشغول ساخته است نگاه امنیت محور ساکنان رژیم صهیونیستی ایشان را به سمت گرایش‌ها و احزاب دست راستی رژیم صهیونیستی همچون حزب لیکود تمایل می‌دهد و با کم‌رنگ شدن مسئله‌ی امنیت به سمت احزاب چپ و میانه همانند حزب کادیما گرایش می‌یابند. حزب لیکود در سیاست

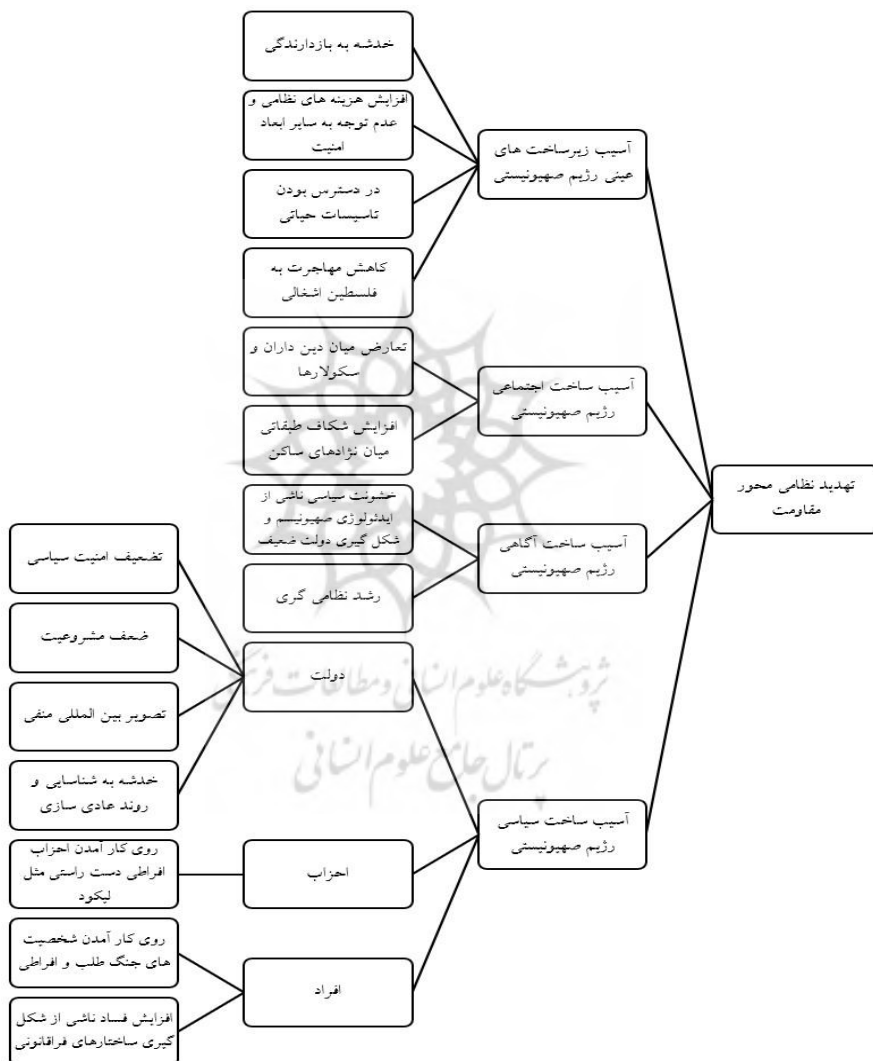


خارجی با شدت به این مفهوم پیوند خورده است که جنگ ابزاری است جایگزین دیپلماسی. لذا مفهوم امنیت به‌خصوص در بعد امنیت نظامی همواره مدنظر عاملان این حزب بوده است و در دوران حاکمیت احزاب دست راستی رژیم صهیونیستی ایشان به‌عنوان بازیگرانی امنیتی ساز نقش مؤثری در امنیتی سازی فضای جامعه و در نتیجه اتخاذ رویکرد تهاجمی در سیاست خارجی رژیم صهیونیستی بر عهده داشته‌اند که در بخش ساخت آگاهی توضیح داده شد؛ بنابراین با قوی‌تر شدن تهدید نظامی محور مقاومت، قدرت مانور احزاب افراطی دست راستی بیشتر شده و توجه به بعد نظامی امنیت تشدید می‌گردد که این مسئله منجر به توجه کمتر به سایر ابعاد امنیت و همچنین امنیتی سازی بیشتر تصویر رژیم در سطح بین‌المللی می‌گردد. یکی چالش‌های رژیم صهیونیستی پس از جنگ ۱۲ روزه غزه، بحث تشکیل دولت جدید در رژیم صهیونیستی و کنار گذاشتن نتانیاهو و حزب لیکود بود؛ اما با چهار دور انتخابات بی‌نتیجه در طی دو سال گذشته، پس از ائتلاف لاپید و بنت برای تشکیل کابینه، با پیوستن حزب عربی **رعم** به رهبری منصور عباس، انتظار تشکیل دولت جدید می‌رفت؛ اما خشونت سیاسی و کشتار مسلمانان در قدس و غزه توسط نتانیاهو منجر به بن‌بست مجدد در تشکیل کابینه و ماندن موقت نتانیاهو در قدرت گردید که این مسئله اختلافات داخلی را تشدید کرد تا جایی که نتانیاهو تشکیل دولت جدید را تهدیدی علیه امنیت ملی رژیم صهیونیستی قلمداد نمود (خبرگزاری بی‌بی‌سی: ۲۰۲۱).

ج) افراد: از ابتدای تشکیل رژیم صهیونیستی، به‌دلیل بحران‌های شدید امنیتی و نفوذ شخصیت‌های مقتدر و کاریزما و همچنین عدم قدمت ساختارهای حکومتی، روابط فراقانونی از سلطه‌ی بلامنزاعی در فرآیند تصمیمات در عرصه‌ی سیاست خارجی رژیم صهیونیستی برخوردار بوده است. لذا با توجه به ویژگی‌های هویتی و نیز ساختار حکومت در رژیم صهیونیستی سبب گردیده است تا در بسیاری از موارد نقش رهبران و نخبگان رژیم صهیونیستی به‌عنوان مؤثرترین عامل امنیتی سازی مسائل مختلف و در نتیجه‌ی آن اتخاذ سیاست‌های تهاجمی همچون بروز بسیاری از جنگ‌ها، قابل‌پذیرش و انکار ناشدنی جلوه نماید. برای مثال، نقش بن‌گوریون نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی در جنگ‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۵۶ تعیین‌کننده بود که بدون هماهنگی با کابینه شرایط و زمینه‌های بروز این جنگ‌ها را محقق ساخت. همچنین جنگ ۱۹۷۳ نتیجه‌ی تصمیم شخصی گلدمایر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بود. هر چه تهدید نظامی بزرگ‌تر باشد احتمال روی کار آمدن شخصیت‌های افراطی و جنگ‌طلب در رژیم صهیونیستی بیشتر است که نمونه اخیر

آن حضور بیش از یک دهه نتانیاهو در قدرت می‌باشد. همچنین به دلیل شکل‌گیری روابط فراقانونی با توجه به نقش پررنگ افراد در سیاست رژیم، بروز و ظهور فسادهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی یکی از آسیب‌های رژیم صهیونیستی بوده که در خصوص نتانیاهو و سایر مقامات صهیونیست‌ها صدق می‌کند.

به‌طور کلی تأثیر تهدید نظامی محور مقاومت بر آسیب‌پذیری رژیم صهیونیستی را می‌تواند در نمودار زیر مشاهده کرد:



نمودار ۵. تأثیر تهدیدات نظامی محور مقاومت بر آسیب‌پذیری رژیم صهیونیستی



تهدید سیاسی محور مقاومت علیه آسیب‌پذیری رژیم صهیونیستی

جایگاه سیاسی محور مقاومت امروز در وضعیتی است که به اذعان مراکز معتبر تحلیلی غرب، از «الگوی نیابتی» به «اتحاد» و «امنیت جمعی» تبدیل شده (سی‌اس‌آی‌اس^۱): (۲۰۱۸) که این مسئله منجر به ارتقای جایگاه سیاسی مقاومت و تبع آن افزایش آسیب‌پذیری رژیم صهیونیستی در بعد ثبات سازمانی و فشار سیاسی می‌گردد که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. با توجه به اینکه تهدید سیاسی بر آسیب ناشی از ایده و نهاد به‌عنوان اجزای اصلی تشکیل‌دهنده آن متمرکز است و بر بعد مادی دولت یعنی زیرساخت‌های حیاتی کمتر تأثیر دارد (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۴۳)، تأثیر تهدید سیاسی محور مقاومت بر آسیب زیرساخت‌های حیاتی رژیم صهیونیستی غیرقابل ارزیابی تلقی می‌شود.

۱- تأثیر تهدید سیاسی محور مقاومت بر ساخت اجتماعی رژیم صهیونیستی:

در بررسی تأثیر تهدید سیاسی محور مقاومت بر آسیب‌پذیری رژیم صهیونیستی، بدون تردید عامل ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی نقش غیرقابل‌انکاری را به خود اختصاص داده است. اهمیت این امر آنگاه که امنیت رژیم صهیونیستی را در قالب مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای خود مورد توجه قرار دهیم بیش‌ازپیش نمایان می‌گردد. در میان مؤلفه‌های مؤثر بر مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای بدون تردید «مجاورت» و نزدیکی حوزه جغرافیایی (به‌خصوص در قالب مرزهای مشترک) از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. هم‌جواری جغرافیایی در چارچوب الگوهای دوستی و دشمنی در نتیجه اختلافات ارضی، تمایلات قومی، اختلافات یا اشتراکات ایدئولوژیک و ارتباطات مثبت یا منفی تاریخی به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده در ساخت اجتماعی هر جامعه‌ای، موجب احساس امنیت و یا سوءظن و هراس می‌گردد. رژیم صهیونیستی در زیرمجموعه شامات به‌عنوان یکی از سه زیرمجموعه شکل‌دهنده به مجموعه امنیتی غرب آسیا، از نظر قومیتی و مذهبی از هویتی نامتجانس نسبت به همسایگان عرب و مسلمان خود برخوردار است و ماهیت اشغالگری و مشروعیت آن نیز مورد تردید همسایگان است. این امر رژیم صهیونیستی را در قبال همسایگان عرب و نیز جریان‌های مقاومت به‌شدت آسیب‌پذیر ساخته و آسیب‌ها و تهدیدات احتمالی بسیاری را برای آن متصور گردیده است. لذا رهبران و سیاست‌گذاران رژیم صهیونیستی از راهبردهای امنیتی و نظامی برای ترمیم موقعیت خود بهره برده‌اند و توسعه‌طلبی و گسترش مرزهای رژیم صهیونیستی به یکی از اهداف عمده‌ی صهیونیسم، در غالب

سرزمین موعود از نیل تا فرات، این رژیم را تبدیل به تهدیدی دائمی علیه همسایگان خود تبدیل نموده که این مسئله منجر به ناکامی رژیم در نهایی کردن حلقه ارتباط با همسایگانش گردیده است.

رژیم صهیونیستی با توجه به آسیب‌پذیری ناشی از عدم تجانس با همسایگان، سیاست خود را به سمت سازش با کشورهای عربی و بازگرداندن تهدید به سمت محور مقاومت و در قلب آن جمهوری اسلامی ایران و ایران هراسی سوق داد. با این حال، روند سازش که از کنفرانس مادرید در سال ۱۹۹۱ آغاز و تاکنون در قالب قراردادهای ابراهیم در حال پیگیری است، با چالش‌های مهمی مواجهه است که همگی نشئت گرفته

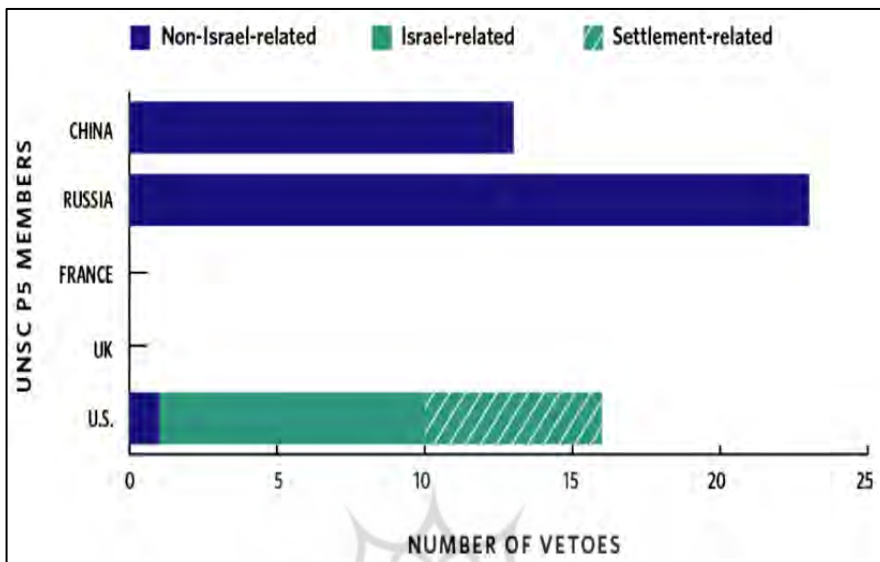
از آسیب‌های قومی و مذهبی (ساخت اجتماعی) رژیم سرچشمه می‌گیرد. علت اصلی تمایل اعراب به صلح با رژیم صهیونیستی، عدم پیروزی آن‌ها در دو جنگ ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ و شکست تفکرات ناسیونالیستی و چپ‌گرایانه بود؛ اما این موضوع در اواخر دهه ۸۰ و با آغاز انتفاضه دچار تحول گردید و این بار ایدئولوژی اسلامی جایگزین ایدئولوژی ناسیونالیسم و چپ شد و این امر منجر به شکل‌گیری شکاف اسلامی - یهودی به جای عرب - یهودی گردید و با قدرت‌گیری محور مقاومت، جایگاه مذهب پررنگ‌تر از قومیت گردید. این مسئله در خصوص جنگ ۱۲ روزه به‌وضوح خود را نشان داد. این بار برخلاف جنگ‌های قبلی گروه‌های مقاومت فلسطینی با رژیم که عمدتاً بر سر مسائلی چون اسرای رژیم، شکستن محاصره و ... بود، علت آغاز درگیری‌ها توسط گروه‌های مقاومت، مسئله حمایت از مسلمانان ساکن قدس و لغو راهپیمایی پرچم در اطراف مسجدالاقصی توسط یهودیان افراطی بود.

۲- تأثیر تهدید سیاسی محور مقاومت بر ساخت آگاهی رژیم صهیونیستی:

مسئله خودبترتیبی ایدئولوژی صهیونیسم و شهرک‌سازی برای توسعه عمق استراتژیک و همچنین رویکرد تهاجمی رژیم در قبال محور مقاومت و کشورهای عضو آن از جمله نقض تمامیت ارضی سوریه و اجرای آشکار ترورهای هدفمند در ایران، موجی از واکنش‌های بین‌المللی و ترویج اندیشه ضدصهیونیستی را به همراه داشته که این مسئله منجر به هزینه‌بر نمودن حمایت از رژیم توسط متحدان آن گردیده است. طبق گزارش شورای امنیت سازمان ملل متحد، از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۹، آمریکا ۱۶ بار از حق وتوی خود جهت جلوگیری از تصویب قطعنامه در محکومیت اقدامات رژیم صهیونیستی استفاده نموده که از این تعداد ۶ بار مربوط به جلوگیری از صدور قطعنامه‌های مربوط به محکومیت شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی می‌باشد. این در حالی است که فرانسه و انگلیس سایر متحدان رژیم تاکنون از حق وتوی خود جهت حمایت از رژیم صهیونیستی استفاده



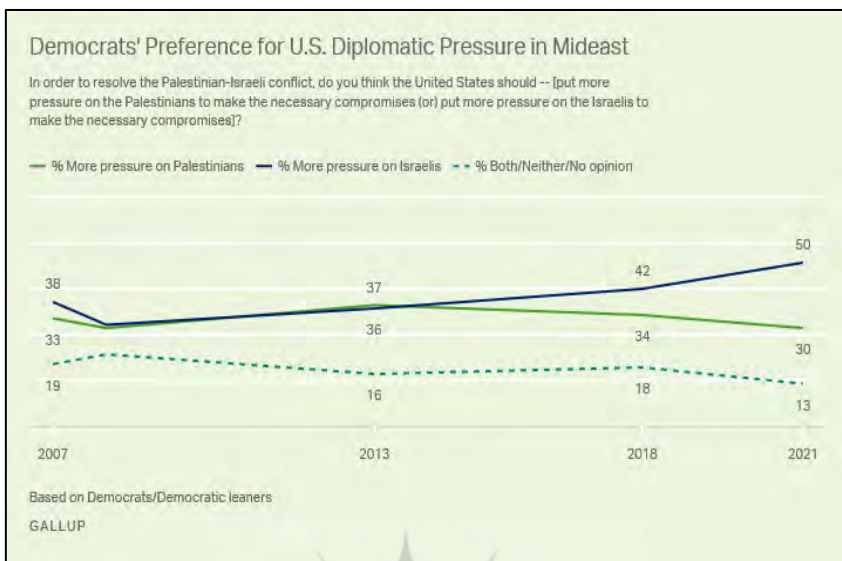
نکرده‌اند که این مسئله منجر به ایجاد هزینه بیشتر برای آمریکا در حمایت از سیاست‌های رژیم صهیونیستی گردیده است.



نمودار ۶. میزان استفاده آمریکا از حق وتو جهت حمایت از رژیم صهیونیستی

Source: Security Council Report, "The Security Council Veto" Table, December 16, 2020, <https://www.securitycouncilreport.org>

در نظرسنجی که موسسه گالوپ از میان دموکرات‌ها بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۱ انجام داده بود، نشان می‌داد که از سال ۲۰۱۳ بیشتر شرکت‌کنندگان خواستار افزایش فشار دیپلماتیک بر رژیم صهیونیستی جهت حل و فصل منازعه رژیم صهیونیستی و فلسطین هستند که این موضوع میزان افزایش هزینه حمایت‌های متحدان رژیم را نشان می‌دهد. همچنین استفن والت^۱ نظریه پرداز مشهور واقع‌گرا و استاد دانشگاه هاروارد نیز در مقاله‌ای که در فارن پالیسی منتشر نموده بود، ضمن اشاره به افزایش هزینه‌های حمایت‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی آمریکا از رژیم صهیونیستی، از لزوم برقراری روابط عادی بجای روابط ویژه میان رژیم صهیونیستی و آمریکا سخن گفته بود و از رژیم صهیونیستی به‌عنوان کشوری که در آن یهودیان در راستای اهداف کانونی صهیونیسم، با طراحی عامدانه بر تمامی مذاهب و نژادها سلطه و برتری دارد، یاد کرده بود (والت: ۲۰۲۱).



نمودار ۷. دیدگاه دموکرات‌ها در خصوص فشار دیپلماتیک آمریکا در قضیه رژیم صهیونیستی-فلسطین

Source: <https://news.gallup.com/poll/350393>

در سطح بین‌المللی نیز در آخرین تحول بعد از جنگ ۱۲ روزه دیده‌بان حقوق بشر در گزارشی رژیم صهیونیستی را به ارتکاب جنایت آپارتاید محکوم کرد (حمایت از حقوق بشر؛ ۲۰۲۱) و همچنین شورای حقوق بشر سازمان ملل نیز در قطعنامه‌ای کمیسیون تحقیقات بین‌المللی در خصوص به‌کارگیری خشونت در سرزمین‌های اشغالی فلسطین و قدس شرقی را تشکیل داد (A/HRC/S-30/L.1). اعتراضات گسترده‌ای نیز در سطح افکار عمومی و واکنش‌های متعدد شخصیت‌های مشهور و تأثیرگذار به اقدامات رژیم صهیونیستی نیز از جمله اقدامات ضد اندیشه صهیونیست بوده است.

۳- تأثیر تهدید سیاسی محور مقاومت بر ساخت سیاسی رژیم صهیونیستی:

الف) دولت: مهم‌ترین آسیب ساخت سیاسی رژیم صهیونیستی در مواجهه با تهدیدات سیاسی محور مقاومت، «مشروعیت سیاسی» رژیم می‌باشد. رژیم صهیونیستی که به‌صورت تصنعی و بر پایه مهاجرت یهودیان از سرتاسر جهان و کمک‌های مالی خارجی شکل گرفته است، روند دولت-ملت‌سازی را به‌صورت کامل طی نکرده و از این‌رو با معضل هویت‌های



چندگانه و متعارض داخلی و به رسمیت شناخته شدن خارجی از سوی بسیاری از کشورهای عربی و اسلامی مواجه است که طرح معامله قرن در همین راستا و برای حل و فصل این بحران از سوی آمریکا و صهیونیست‌ها ارائه گردید. مسئله دیگری که مشروعیت رژیم صهیونیستی را با چالش مواجه کرده بحث آوارگان فلسطینی (حدود ۵ میلیون نفر) و بازگشت آن‌ها به وطن خود است که این موضوع یکی از شروط اصلی پذیرش عضویت رژیم صهیونیستی در سازمان ملل متحد بود و قطعنامه‌های متعدد سازمان ملل از جمله قطعنامه ۱۹۴ سازمان ملل به مسئله پناهندگان و آوارگان فلسطینی اختصاص دارد. (علیخانی، ۱۳۸۰: ۴۴). لذا عدم اجرای تعهدات از سوی دولت جعلی رژیم صهیونیستی از مهم‌ترین مسائل مرتبط با ساخت سیاسی و عدم مشروعیت رژیم می‌باشد. مسئله دیگر در بحث مشروعیت دولت جعلی رژیم صهیونیستی، مسئله فساد و رسوایی‌های اخلاقی و مالی است. در نظرسنجی روزنامه «پدیعوت آحارنوت» از کسانی که ۶۰ سال پیش در گرفتن زمین فلسطینی‌ها شرکت داشته‌اند، انجام داده است، این افراد از ناامیدی و ناخشنودی خویش از اوضاع داخلی رژیم صهیونیستی سخن گفته‌اند. این افراد که برخی از آن‌ها از نظریه پردازان اشغال فلسطین بودند به این روزنامه گفتند: «این رژیم صهیونیستی نیست که در رؤیای آن بودیم» (شاهین، ۱۳۸۸).

ب) احزاب سیاسی: مهم‌ترین آسیب رژیم صهیونیستی در ساخت سیاسی در سطح احزاب سیاسی معضل نظام سیاسی و انتخاباتی رژیم می‌باشد. رژیم صهیونیستی در طی ۶۰ سال گذشته موفق به ایجاد تغییر در نظام انتخاباتی خود نشده و تغییر شیوه انتخاب نخست‌وزیر به صورت مستقیم نیز بیش از آنکه راه گشا باشد، بر مشکلات رژیم افزوده است. قانون انتخابات موجود طی ۶۰ سال گذشته به تضعیف احزاب بزرگ‌تر و قدرتمندتر شدن احزاب کوچک‌تر و افراطی شده است. این امر نه تنها دموکراسی رژیم صهیونیستی را هرچه بیشتر قومی کرده، بلکه زمینه‌ساز افراطی‌تر شدن سیاست‌های کلان رژیم از یک‌سو و ناتوانی در اتخاذ تصمیمات حساس از سوی دیگر شده است. این ضعف استراتژیک منجر به عقب‌نشینی رژیم از جنوب لبنان و غزه و شکست آن در جنگ غزه در سال ۲۰۰۸ و سایر جنگ‌های رژیم از ۲۰ سال گذشته تاکنون از جمله جنگ ۱۲ روزه شده است. برگزاری چهار دور انتخابات ناموفق در رژیم در طی دو سال نشان‌دهنده ضعف سیستم انتخاباتی و حزبی در رژیم می‌باشد. نظام انتخاباتی ضعیف رژیم صهیونیستی به احزاب کوچک‌تر امکان می‌دهد تا وارد کنست شده و با تعمیق شکاف‌های مختلف در رژیم صهیونیستی، سایر گروه‌ها را تشویق می‌کند تا حزب تشکیل داده و وارد کنست شده و احتمالاً کابینه تشکیل دهند و از این طریق افکار خود را عملی سازند. ادامه این وضعیت ضمن افراطی‌تر کردن

احتمالی سیاست‌های رژیم در داخل و خارج، منجر به پیچیده‌تر شدن وضعیت سیاسی داخلی رژیم صهیونیستی و آشکار شدن جنبه‌های غیرطبیعی دولت یهود می‌گردد (قهرمانپور، ۱۳۸۹).

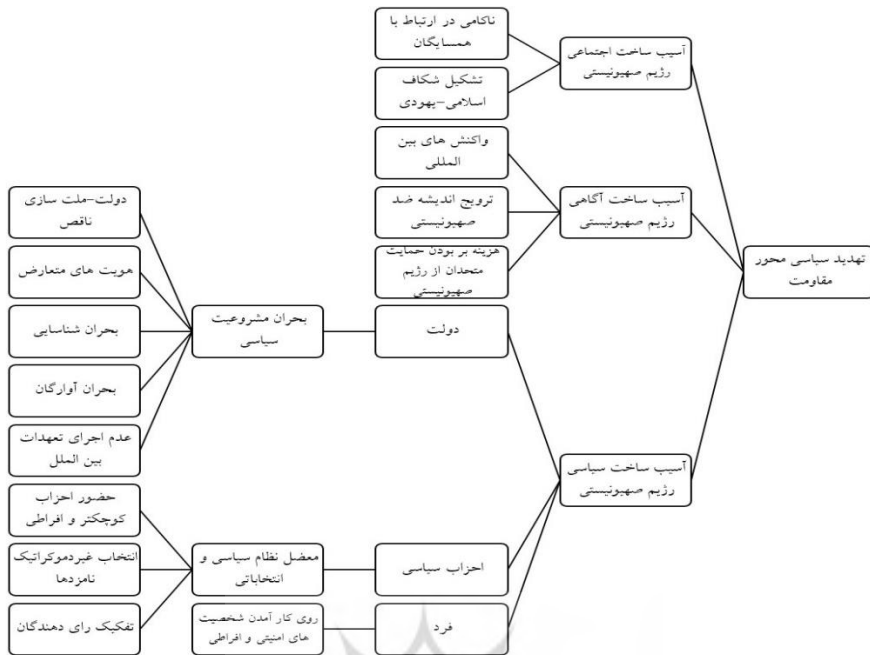
به‌طور کلی ضعف‌های نظام حزبی و انتخاباتی رژیم صهیونیستی عبارت‌اند از:

- تشویق نظام سیاسی چندحزبی و به‌خصوص احزاب کوچک‌تر که پیامد آن سخت‌تر شدن تشکیل ائتلاف‌ها، شکننده بودن کابینه و کاهش درجه پاسخگو بودن کابینه است؛
- بسته بودن فهرست نامزدهای احزاب و انتخاب این فهرست توسط احزاب و نه خود رأی‌دهندگان و انتخاب غیردموکراتیک نامزدها؛
- تفکیک رأی‌دهندگان از نمایندگان کنست، به‌دلیل آنکه کل رژیم صهیونیستی یک حوزه انتخاباتی در نظر گرفته می‌شود (مالر^۱، ۲۰۳:۲۰۴).

ج) افراد: روانشناسی امنیتی نخبگان رژیم صهیونیستی بر اساس ذهنیت ناامنی شکل گرفته است. نخبگان رژیم صهیونیستی همواره این موضوع را مورد پردازش قرار می‌دهند که آن کشور در محاصره جریان‌های تهدیدکننده قرار دارد. نیروهایی که دارای رویکرد ضد امنیتی نسبت به رژیم صهیونیستی بوده و هستی این واحد سیاسی را پیوسته تهدید می‌کنند. این‌گونه تهدیدات اگر چه به‌واسطه تحولات منطقه غرب آسیا در دوران‌های مختلف تشدید می‌شود؛ اما در عین حال احساس تهدید بخشی از روانشناسی امنیتی رهبران و نخبگان سیاسی رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود که سیاست داخلی و خارجی رژیم صهیونیستی را شکل می‌دهند و به‌عنوان یکی از بازیگران امنیتی ساز همواره نقش قابل‌ملاحظه‌ای را در روند امنیتی‌سازی جامعه‌ی رژیم صهیونیستی ایفا نموده‌اند. مطرح‌شدن نام نفتالی بنت به‌عنوان یک شخصیت راست‌گرا و افراطی که موافق تشدید شهرک‌سازی و مخالف سرسخت تشکیل کشور مستقل فلسطین می‌باشد، یکی دیگر از شخصیت‌های افراطی است که پس از یکی از جنگ‌های سخت رژیم صهیونیستی و تشدید بحران سیاسی در این رژیم (بعد از جنگ ۱۲ روزه) تشکیل کابینه خواهد داد. این مسئله همانند تهدید نظامی، تأثیر افزایش تهدید و فشار سیاسی بر روی کار آمدن شخصیت‌های افراطی در رژیم صهیونیستی را نشان می‌دهد.

در نمودار زیر تأثیر تهدید سیاسی محور مقاومت بر آسیب‌پذیری رژیم صهیونیستی قابل‌مشاهده است:





نمودار ۸. تأثیر تهدید سیاسی محور مقاومت بر آسیب‌پذیری رژیم صهیونیستی

(طراحی توسط نویسندگان)

نتیجه‌گیری

رژیم صهیونیستی که از ابتدای تأسیس با آسیب‌پذیری‌هایی متعددی از قبیل مشروعیت، عدم عمق راهبردی، دولت-ملت سازی ناقص و سایر موارد مواجه بوده و این مسئله منجر به اقدامات امنیتی و نظامی افراط‌گرایانه از سوی این رژیم گردیده است. با شکل‌گیری مجموعه امنیتی محور مقاومت و افزایش توان و به تبع آن افزایش تهدید این محور، آسیب‌پذیری و شکاف‌های سیاسی-اجتماعی رژیم در طی زمان بیشتر و گسترده‌تر شده است. پرسش اساسی مقاله این بود که توان محور مقاومت به‌عنوان تهدید اساسی علیه رژیم صهیونیستی، چه تأثیری بر آسیب‌پذیری‌های این رژیم دارد.

طبق یافته‌های مقاله، در بعد تهدیدات نظامی، محور مقاومت توانسته با افزایش توان نظامی و گسترش دامنه تهدیدات در این بعد، ضمن دسترسی به زیرساخت‌های حیاتی و محیط داخلی رژیم صهیونیستی، منجر به خدشه‌دار شدن بازدارندگی رژیم و افزایش هزینه‌های نظامی و عدم توجه به سایر ابعاد امنیت توسط رژیم گردیده و نتیجه این ناامنی، کاهش مهاجرت به سرزمین‌های اشغالی و ضربه به میزان جمعیت به‌عنوان یکی از



مهم‌ترین شاخص‌های امنیتی رژیم شده است. در سطح آسیب‌های ساخت اجتماعی، تهدید نظامی محور مقاومت توانسته تعارض میان دین‌داران و سکولارها را در جامعه مهاجر فلسطین اشغالی تقویت کرده و از طرف دیگر اعراب ساکن مرزهای ۱۹۴۸ نیز در نتیجه شکاف طبقاتی موجود با مقاومت همراهی بیشتری نماید. در سطح آسیب‌های ساخت هنجاری نیز دو تأثیر مهم محور مقاومت را می‌توان خشونت سیاسی بیشتر ناشی از ایدئولوژی صهیونیسم و رشد نظامی‌گری در این رژیم برشمرد زیرا هرچه تهدید نظامی گسترده‌تر باشد نظامی‌گری و افراط‌گرایی در صهیونیست‌ها برای از بین بردن تهدید افزایش می‌یابد. در خصوص ساخت سیاسی نیز با تقسیم آسیب‌های رژیم صهیونیستی در سه سطح دولت، احزاب و افراد، می‌توان نتیجه گرفت که تهدیدات نظامی محور مقاومت منجر به تضعیف امنیت سیاسی، ضعف مشروعیت، تصویر بین‌المللی منفی، فراهم شدن شرایط برای روی کار آمدن احزاب و شخصیت‌های افراطی و جنگ‌طلب و افزایش فساد در ساختار سیاسی و اقتصادی به دلیل اختیارات فراقانونی این احزاب و شخصیت‌ها گردیده که این مسئله نهایتاً از رژیم صهیونیستی دولتی ضعیف خواهد ساخت.

در بعد سیاسی، محور مقاومت در سطح ساخت اجتماعی رژیم، توانسته بر ناکامی رژیم صهیونیستی در ارتباط با همسایگان به‌ویژه سوریه و تشکیل شکاف اسلامی-یهودی در مقابله با رژیم گردد. در سطح آسیب ساخت هنجاری، اقدامات رژیم صهیونیستی در مقابله با تهدیدات سیاسی محور مقاومت، آسیب‌هایی نظیر افزایش واکنش‌های بین‌المللی نسبت به رژیم، ترویج اندیشه ضد صهیونیستی و همچنین هزینه‌زا شدن حمایت از رژیم از سوی متحدین آن را ایجاد یا تشدید نماید. در سطح ساخت سیاسی نیز بحران مشروعیت سیاسی که ناشی از دولت-ملت‌سازی ناقص، وجود هویت‌های متعارض، عدم شناسایی سیاسی، بحران آوارگان و عدم اجرای تعهدات بین‌المللی رژیم در خصوص آوارگان، شهرک‌سازی و ... می‌باشد، تشدید شده و توجه رژیم به معضلات سیاسی از جمله ضعف نظام انتخاباتی کاهش یابد که این ساختار غیردموکراتیک، بسر ساز روی کار آمدن شخصیت‌های افراطی و امنیتی در رژیم گردیده است.



- آدمی، علی و کشاورز مقدم، الهام (۱۳۹۴)، «جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره ۱۴.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۹)، امنیت اجتماعی شده: رویکرد اسلامی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۹)، «امنیت در حال گذار (تحول معنای امنیت در قرن بیست و یکم)»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴ (۱۰)، ۲۸-۴۳.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی رژیم صهیونیستی، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی خاورمیانه.
- النهامی، صالح (۲۰۱۱)، «هزینه‌های امنیتی رژیم صهیونیستی در سایه انقلاب‌های عربی»، مرکز العربی الابحاث و درسه السياسات.
- اقبال، اسماعیل (۱۳۸۷)، «پیامدهای جنگ غزه بر بازدارندگی رژیم صهیونیستی»، مطالعات فلسطین، شماره ۱۱.
- احمدوند، شجاع و رجبی قره قشلاقی، جعفر (۱۳۸۹)، «شکاف‌های اجتماعی و امنیت ملی در رژیم صهیونیستی»، نشریه روابط خارجی، شماره ۷، ۱۰۶-۷۳.
- اسلامی، محسن (۱۳۸۸)، سیاست خارجی رژیم صهیونیستی، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- بوزان، باری (۱۳۹۰)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پرند، سعید و گیوری، تورج (۱۳۹۵)، چالش‌های و آسیب‌پذیری‌های امنیتی رژیم صهیونیستی (۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰)، تهران: مرکز آموزش و پژوهش شهید سبهد صیاد شیرازی.
- پژوهشکده مطالعات راهبردی (۱۳۸۱)، گزارش پژوهشی مفهومی شناسی امنیت (شرحی بر تهدیدات امنیتی).
- پژوهشکده تحقیقات راهبردی (۱۴۰۰)، «جنگ دوازده روزه غزه و آسیب‌های بازدارندگی رژیم صهیونیستی».
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱)، مقدمه‌ای بر استراتژی‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: فرهنگ گفتمانی.
- توسلی رکن‌آبادی، مجید و رضایی، نیما (۱۳۸۹)، «تأثیرات ساختار حزبی بر سیاست خارجی رژیم صهیونیستی در قبال جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره دوم، شماره ۳، ۱۶۹-۱۴۱.
- درخشه، جلال و صادق زاده، کسری (۱۳۹۱)، «آسیب‌شناسی ساختاری رژیم صهیونیستی با تأکید بر آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی»، مطالعات فرهنگ-ارتباطات، دوره ۱۳، شماره ۲۰.
- زهرالدین، صالح (۱۳۸۰)، «طرح رژیم صهیونیستی بزرگ با توجه به عوامل جمعیتی، نفت و آب»، مجله مطالعات منطقه‌ای، شماره ۸، ۲۸۰-۲۸۸.
- ساوه درودی، مصطفی و چشمه نور، مرتضی (۱۳۹۷)، «بحران‌های پیش روی رژیم اشغالگر قدس در ۲۵ سال آینده»، مطالعات منطقه‌ای، شماره ۷۰ و ۷۱.
- شاهین، ابراهیم (۱۳۸۸)، «رژیم صهیونیستی و بحران مشروعیت»، قابل دسترس در: <https://www.hawzah.net/fa/Magazine/view/3814/6746/80575>.
- عبداله خانی، علی (۱۳۹۲)، نظریه‌های امنیت، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۸۰)، «فلسطین، رژیم صهیونیستی و انتفاضه، نزاع بر سر هویت»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، ج



- قاسمی، بهزاد (۱۴۰۰)، «ظرفیت سنجی شیعیان عراق و تأثیر آن بر محور مقاومت»، فصلنامه سیاست دفاعی، سال بیست و نهم، شماره ۱۱۴، ۹-۴۰.
- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۶)، «ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران براساس گفتمان انقلاب اسلامی»، فصلنامه آفاق امنیت، شماره سی و هشتم، سال یازدهم.
- قادری کنگاوری، روح اله (۱۳۹۹)، «دیپلماسی نهضتی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ نقشه راه و مسائل پیش رو»، فصلنامه آفاق امنیت، دوره سیزدهم، شماره چهل و هشت، ۱۶۳-۲۰۲.
- قهرمان پور، رحمن (۱۳۸۹)، «تأثیر نظام انتخاباتی رژیم صهیونیستی بر تداوم چندپارگی سیاسی»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: رژیم صهیونیستی شناسی - آمریکا شناسی، سال یازدهم، شماره ۴، ۷۲-۵۱.
- گیدبون، آران (۱۳۸۷)، *بیداری اسلامی و بحران هویت*، ترجمه عبدالعزیز سلیمی، تهران: اطلاعات.
- مرادیان، محسن (۱۳۹۹)، *مبانی نظری امنیت*، تهران: انتشارات دانشکده علوم و فنون فارابی.
- معین، محمد (۱۳۷۵)، *فرهنگ فارسی*، تهران: امیرکبیر.
- نصری، قدیر (۱۳۹۰)، «تأملی نظری در یافته‌ها و دشواری‌های باری بوزان در بررسی امنیت»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره ۴، ۱۳۴-۱۰۵.
- هدایتی شهیدانی، مهدی و بابایی، محمدرضا (۱۳۹۹)، *محور مقاومت: شرحی بر ویژگی‌ها و وجوه مختلف*، تهران: اندیشه‌سازان نور.

انگلیسی

- Arian, Asher and Shamir, Michael (eds.) (2011), *The Election in Israel 2009*, Newjersey: Rutgers.
- Axis Rising: Iran's Evolving Regional Strategy and Non-State Partnership in the Middle East (2018), CSIS, available at: <https://www.csis.org/analysis/axis-rising-iran-evolving-regional-strategy-and-non-state-partnerships-middle-east/>.
- Background: Facts and figures about 2006 Israel-Hezbollah war (2007), OCHA Services, available at: <https://reliefweb.int/report/lebanon/background-facts-and-figures-about-2006-israel-hezbollah-war/>.
- Deegan-Krause, Kevin (2007), "New Dimensions of Political Cleavage", in: Russell j. Dalton and Hans-Dieter Kingeman (eds.), *The Oxford Handbook of Political Behavior*. Oxford: Oxford University Press.
- Dowty, Alan (1999), "Israeli Foreign Policy and the Jewish Question", *Middle East Review of International Affairs*, vol3, No.1.
- ECHO (1999), *The Geography of Disasters; Geography in Humanitarian Assistance*, European Community Humanitarian Office, available at: <https://members.lycos.fr/dloquercio/know-how/Ressources/geography/Geography.pdf>
- Handel, Michael (1981), *Weak States in the International System*, London Croom Helm, 77-94.
- ISDR: United Nations International Strategy for Disaster Reduction (2004), *Living with risk: A global review of disaster reduction initiatives*, available at: https://www.unosdr.org/eng/about_isdr/bd-lwr-2004-eng.htm/.
- Jones, Seth G. (2018), "The Escalating Conflict with Hezbollah in Syria", *Center for Strategic and International Studies: CSIS*, available at: <https://www.csis.org/analysis/escalating-conflict-hezbollah-syria/>.
- Mahler, Gregory S. (2004), *Politics and Government in Israel: The Maturation of a Modern State*, Oxford: Rowman and Little Field Publishers.
- Silbersteine, Laurancej (1999), "The Post Zionism Debates, Knowledge and Power in



Israel Culture”, New York: Routledge.
Walt, Stephen M. (2021), “It’s Time to End the Special Relationship with Israel”, Foreign Policy, available at: <https://foreignpolicy.com/2021/05/27/its-time-to-end-the-special-relationship-with-israel/>

وبگاهها

<https://www.hrw.org/report/2021/04/27/threshold-crossed/israel-authorities-and-crimes-apartheid-and-persecution/>.
<https://farsnews.ir/news/14000306000378/>.
<https://farsnews.ir/news/14000306000417/>.
<https://www.haaretz.com/israel-news/premium-gaza-death-toll-reportedly-climbs-to-67-including-17-minors-1.9803871/>.
<https://www.haaretz.com/israel-news/israel-struck-near-latakia-overnight-syria-tv-missiles-1.9774342/>.
<https://www.timesofisrael.com/big-blast-at-rochet-factory-jolts-central-israel-in-controlled-test/>.
<https://www.jpost.com/israel-news/fire-breaks-out-after-pipe-malfunction-at-haifa-chemical-plants-666859/>.
<https://www.irishtimes.com/news/world/middle-east/israel-closes-ben-gurion-airport-after-barrage-of-rackets-from-gaza-1.4561970/>.
<https://www.aa.com.tr/en/middle-east/1-israeli-killed-2-injured-in-west-bank-explosion/1562947/>.
<https://www.timesofisrael.com/cyber-attacks-again-hit-israels-water-system-shutting-agricultural-pumps/>.
<https://news.gallup.com/poll/550393/key-trends-views-israel-palestinians.aspx/>.
<https://news.gallup.com/poll/350393/>.
<https://data.worldbank.org/indicator/MS.MIL.XPND.CD/>.
<https://data.worldbank.org/indicator/SM.POP.TOTL.ZS/>.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی